



برگزاری نکوداشت استاد مرحوم باستانی پاریزی و برپایی نمایشگاه «آینه دار دوران»

سرورس فرهنگی - هنری: نکوداشت استاد مرحوم باستانی پاریزی و گشایش نمایشگاه «آینه دار دوران» دیروز با حضور جمعی از اهل هنر و فرهنگ در سازمان استاد و کتابخانه مرکزی با اجرای علیرضا پورامید، منتقد موسیقی و شاعر برگزار شد. به گزارش خبرنگار ما، سید عباس دعایی دبیر این اتفاق هنری در ابتدای برنامه گفت: امروز به یاد معلمی بسزراک در روز معلم گرد آمده‌ایم و اعتقادمان است که:

آموزگار گرچه خداوندگار نیست بعد از خدای، برتر از آموزگار نیست اولین باری که استاد عزیز، مرحوم دکتر باستانی پاریزی را زیارت کردم نوجوانی بودم و در جمع بزرگان به من احترام گذاشتند و کتابی هدیه دادند. این برخورد آن چنان بر من تأثیر داشت که هیچ گاه فراموش نمی‌کنم، احترام به یک جوان در جمع بزرگان را البته بعدها این توفیق الهی شامل حال من می‌شد و می‌توانستم مکرر خدمتشان برسم. البته صفا و صمیمیت و مهریابی و خوشرویی استاد چنان بود که قلباً به سویشان کشیده می‌شدم اینها را عرض کردم که به نوعی از سابقه ارادت به استادی نامدار گفته باشم.

بی‌تردید همین سابقه لطف و عنایت ایشان و ارادت من، زمینه‌ساز پیشنهاد و انجام کاری شد که امروز بدان مناسبت در خدمت عزیزان حاضر هستم و از این که گزارش دادن درباره آنچه دوستان کرده‌اند به گردن من افتاده، عذر می‌خواهم. خلاصه مطلب این است که یکی از دوستانم به نام محسن رزاقی که پاره توفیق دیدار استاد را داشته‌اند، گروهی هنری به نام «آمید» تشکیل داده‌اند که افرادی فارغ‌التحصیلان هم دوره خود ایشان و همگی کارشناس ارشد تصویرسازی هستند که هم اکنون برخی از آنها در دانشگاه تدریس می‌کنند و برخی برگزیده جشنواره‌های داخلی یا خارج کشور هستند و به هر



حال اهل فن و هنرند. پس از آشنایی با این گروه و همکاری که در زمانی پیش آمده بود، و شاید به خاطر آن نوشته مرحوم استاد در آن کتاب که عرض کردم، به فکر رسید چه خوب است، بتوانیم به پاری این هنرمندان به مصور کردن برخی از آثار استاد پردازیم که با استقبال دوستان مواجه شد و دیدیم نیازمند راهنمایی افراد آشنا با استاد و آثار ایشان هستیم. پس با همراهی نویسنده نامی و معروف کرمان، جناب آقای محمدعلی علومی و باری جناب آقای گلابزاده و تأیید مهندس حمید باستانی قرار شد هر کدام از دوستان هنرمند کتابی از آثار استاد را انتخاب کنند و طرح‌هایی برای آن ترسیم کنند. در همین راستا برای شناخت بیشتر کرمان و دیدن کویر و ارتباط بهتر با آثار استاد با حمایت «شرکت خط نو» راهی دیار کریمان شدیم و به لطف نهادهایی مثل استانداری کرمان، ارگ جدید بم و دانشگاه آزاد کرمان توانستیم از مکان‌های مختلفی بازدید کنیم. جالب اینکه این سفر دوستان همزمان شد با برنامه رومانی از جایزه جهانی استاد باستانی در دانشگاه آزاد کرمان. نخستن قصدمان صرفاً برگزاری نمایشگاهی از آثار دوستان بود و سپس حفظ آنها در مکان بادمان استادان و

جناب آقای دکتر نیلی احمدآبادی هستیم. ما تلاش این عزیزان و بقیه دوستانی که حمایت کردند، از جمله پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران سپاسگزاریم و نیز سپاسگزاریم از همه کسانی که به نوعی باری و همراهی و همدلی و همفکری کردند. پس از شناساندن عباس دعایی، دبیر اتفاق هنری «آینه دار دوران» علیرضا پورامید، مجری این مراسم، بیاتیه گروه «آمید» را قرائت کرد. وی پیش از قرائت این متن، معنای آمید را چنین بیان کرد: «ارزوی ماندگار یک دوستی ابدی، در بخشی از بیاتیه گروه «آمید» آمده است: او به اهمیت شناخت تاریخ و از شناساندن مقصودی دارد. اینکه صدای خاموش مردمان را به گوش همگان می‌رساند و اینکه عاشق فرهنگ کرمان است و در طی این طریق به هر نحوی از کرمان شروع می‌کند یا به کرمان ختم می‌کند و به تاریخ کرمان و مردم آرام آن می‌پردازد. او در کوچ‌های شهر بی‌منتاهی تاریخ قدم می‌زند و می‌رود و جستجو می‌کند تا اگر جایی کسانی سهمی در تاریخ داشته‌اند و نادیده گرفته شده‌اند نامی از آنها گفته شود و دین تاریخ را به آنها ادا کند و تأثیرشان را آشکار سازد و هدف بزرگ او از بررسی تاریخ، یافتن جای پای خداوند در رویدادهای تاریخی است آنجا که می‌گوید: خدا هست و بزرگ هست و من همه دنیا ببال پای خدای بزرگ در تاریخ هستم. او همه مسائل را در خدمت بیان یک معنا مطرح می‌کند. مسائلی که ممکن است از نظر تاریخی و جغرافیایی باهم نسبت نداشته باشند، اما در یک معنا همگی مشترک هستند، معنایی که روایتگری تاریخ است و باستانی پاریزی آن را کشف قانون تاریخ می‌داند. قانونی که ثابت است و عنصر متحرک آن سقوط و عروج دولت‌هاست. که با تکرارش تجربه نصب مردم می‌کند و پند می‌آموزد. او مسائل تاریخ را به شیوه بافتن قالی پخت سحر دو داماد و اگر منع شرعی نداشت، پشت سر دو دخترم نیز نماز می‌خواندم. عباس، درک لایلی دارد و برای پیگیری و به ثمر رساندن آنچه می‌خواهد کوشا است و خدای را شاکرم که چیزی که در ذهن او شکل گرفته است، کار فرهنگی است و من عاجز بودم از همراهی با او. من در این کار هیچ نقشی و سهمی نداشتم و نه موسسه‌ای که در آن هستم. او خود کشت و پارانث را پیدا کرد. دیشب وقتی دید به دلایلی مدعو نمی‌تواند بیایند، حال عارفانه‌ای پیدا کرد و گفت خدا را شکر که از مسئولیتی که دعوت کردم کسی نمی‌آید. یکی از مدعوین استاندار کرمان بود که درگیر آماده‌سازی مقدمات سفر ریاست جمهوری به کرمان است. دیگری آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری که در جلسه هیات دولت یکشنبه‌هاست و دیگر داماد ما که آقای نادری است و معاون اطلاع‌رسانی دفتر آقای جهانگیری ایشان است و نیز محمدجواد حجتی کرمانی که به علت بیماری نتوانست بیاید و پیامی برای این جلسه بی‌ریا فرستاد است.

فرهیختگان کرمان که این درخواست مورد قبول جناب استاندار قرار گرفت. اما بعداً «شرکت خط نو» به دلیل علاقه مدیران شرکت به استاد باستانی، پذیرفت با حمایت خود این آثار را به صورت کتابی بسرای علاقمندان درآورد و تکمیل این کار منوط به افزودن بخشی علمی به آن بود، چه به این ترتیب راه هم‌اوتر می‌شد تا به پیشنهاد بنیاد ایران‌شناسی در معرفی استاد به‌عنوان یکی از شخصیت‌های فرهنگی کشور به یونسکو اقدام شود. این بود که از بزرگانی خواستار نگارش مقالاتی در شناسایی وجوه شخصیتی استاد باستانی شدیم. به‌گونه‌ای که در سطوح فراملی قابل استفاده باشد. خوشبختانه همراهی بزرگوارانه بسیاری از استادان ما را یار شد و در نهایت قرار شد یک گروه علمی عهده‌دار تهیه و تدوین این مهم شود. جناب آقای دکتر اکبری (رئیس گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهشتی)، مسئولیت گزینش مطالب مناسب از میان مقالات بیشتر نگاشته را به عهده گرفتند: همچون مقالاتی که انجمن آثار و مفاخر کشور و دیگران به یاد استاد تهیه کرده بودند. به موازات این کار، بنا شد به باری جناب آقای موسوی بجنوردی

برگزاری نکوداشت استاد مرحوم باستانی پاریزی و نمایشگاه «آینه دار دوران»

پشت سر دو داماد و اگر منع شرعی نداشت، دخترم نیز نماز می‌خواندم. عباس، درک لایلی دارد و برای پیگیری و به ثمر رساندن آنچه می‌خواهد کوشا است و خدای را شاکرم که چیزی که در ذهن او شکل گرفته است، کار فرهنگی است و من عاجز بودم از همراهی با او. من در این کار هیچ نقشی و سهمی نداشتم و نه موسسه‌ای که در آن هستم. او خود کشت و پارانث را پیدا کرد. دیشب وقتی دید به دلایلی مدعو نمی‌تواند بیایند، حال عارفانه‌ای پیدا کرد و گفت خدا را شکر که از مسئولیتی که دعوت کردم کسی نمی‌آید. یکی از مدعوین استاندار کرمان بود که درگیر آماده‌سازی مقدمات سفر ریاست جمهوری به کرمان است. دیگری آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری که در جلسه هیات دولت یکشنبه‌هاست و دیگر داماد ما که آقای نادری است و معاون اطلاع‌رسانی دفتر آقای جهانگیری ایشان است و نیز محمدجواد حجتی کرمانی که به علت بیماری نتوانست بیاید و پیامی برای این جلسه بی‌ریا فرستاد است.

پخش شد. سپس نماینده کتابخانه ملی، غلامرضا میرحاجی، معاون کتابخانه ملی، برای تکریم خانواده استاد پاریزی به جایگاه آمدو گفت: من افتخار این را نداشتیم که شاکرد استاد پاریزی باشم اما در سال ۱۳۹۱ که داشتم در نشریه داخلی دانشگاه دنبال مطلبی می‌گشتم، متوجه شدم ایشان شعر طنزی در دوران دانشجویی خود در سال ۱۳۲۵ به نام «شب یلدا» سروده است که عاشقانه بود. ایشان از من خواستند شعر را برای ایشان بفرستم که هرگز قسمت نشد این کپی را بفرستم. در این مراسم، هدایایی از طرف کتابخانه ملی و شرکت خط نو و خانواده باستانی پاریزی، به نمایندگان گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، دایره‌المعارف اسلامی، دانشگاه تهران، شرکت آونگار و مدیر گروه «آمید»؛ رزاقی و دکتر افشین پدالهی و خانم رازقندی اهدا شد. در بخش پایانی این مراسم؛ سید محمود دعایی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات گفت: خدای را شاکرم که فرزندان من صالح هستند و می‌توانم پشت سر هر چهار فرزندم نماز بخوانم و حتی

بقیه از صفحه ۳
وی با اشاره به این که این کار هنری می‌تواند شروع این روند باشد افزود: من به دوستان هنرمند پیشنهاد دادم که کتاب‌ها را بخوانند و بر اساس خوانش خود، نگارگری انجام بدهند. چند نفر از دوستان، هوشنگ مرادی کرمانی و محمدعلی علومی همیار هنرمندان بودند. من در ابتدا فکر نمی‌کردم چنین تصویری در بیاید. دیدم ذهن‌های خلاق، حتی از ترکیب «بی در کجا» به تصویر زنده‌ای رسیدند. «بی در کجا» افرادی هستند که در سنی قرار دارند که دیگر نه در خانه و نه در بیرون از خانه جا دارند. من تردید ندارم که کاری که با کتاب‌های پدر کرده‌اند در ادامه و گنجینه ادب و فرهنگ ما می‌توانند انجام بدهند. پیش از شصت جلد کتاب متعلق به باستانی پاریزی است که هر کدام از آنها لحاف چل تک‌های است که می‌تواند دستمایه تصویرسازی هنرمندان قرار گیرد. سپس، با پخش کلیبی از مراسم روز گذشته درباره مرحوم باستانی پاریزی در اندیشه‌گاه کتابخانه مرکزی، کلیبی با عنوان «من عاشق ایرانم» با شعر و خوانش دکتر افشین پدالهی